

در مقابل او در پاسخ به نامه جمعی از فضلا و طلاب حوزه علمیه قم درباره ترور حجاریان نوشت: «می‌خواهند حوادث اخیر را بهانه‌ای برای جلوگیری از بیان حقایق و احکام ضروری اسلام قرار دهند»

عدم مسامحه در مقابل جریان‌های سیاسی

در دوران فعالیت اصلاح‌طلبان و پس از آن نیز آیت‌الله مصباح موضعی سخت در مقابل هر گونه انحراف داشت. شاید یکی از نکات مهم عدم مسامحه در این باره بود.

آیت‌الله مصباح گاه در بیان نظر خود آنچنان محکم و قاطعانه عمل می‌کردند که حتی برخی از نیروهای سیاسی انقلابی نیز به شک می‌افتادند. در این میان گرایش به سمت اینکه ایشان را به عنوان مخالف اصلی هر گونه دموکراسی و مردم‌سالاری معرفی کنند نیز رویه غالب بسیاری از رسانه‌های اصلاح‌طلب بود. عمده مطالبی که دستمایه حمله اصلاح‌طلبان علیه ایشان می‌شد، سخنانی بود که در جریان سخنرانی‌ها به صورت مقطعی تقطیع شده بود.

به‌عنوان مثال ایشان در یکی از سخنرانی‌های خود به این نکته اشاره کرد که ما می‌توانیم شهروند درجه یک و درجه دو داشته باشیم. این سخنرانی که در آذرماه سال ۷۷ مطرح شد، زمینه حملات فراوانی به آیت‌الله مصباح بود. در حالی که ایشان در سخنرانی خود تنها بر این نکته تأکید کرده بودند که برابر بودن انسان‌ها در خصوص انسانیت دلیلی بر بهره‌مندی تام و تمام آنها از تابعیت و امتیازات حقوقی یک کشور نمی‌شود.

پس از ترور سعید حجاریان عضو شورای شهر تهران، تهاجم به آیت‌الله مصباح شکل دیگری به خود گرفت. بسیاری از فعالان سیاسی جبهه دوم خرداد سعی کردند این ترور را در راستای سخنرانی‌های آیت‌الله مصباح جلوه دهند. در ادامه نیز برخی از شخصیت‌های جبهه دوم خرداد به لزوم اعمال خشونت نسبت به وی روی آوردند.

آیت‌الله مصباح در پاسخ به نامه جمعی از فضلا و طلاب حوزه علمیه قم درباره ترور حجاریان نوشت: «می‌خواهند حوادث اخیر را بهانه‌ای برای جلوگیری از بیان حقایق و احکام ضروری اسلام قرار دهند.»

آیت‌الله مصباح یزدی حتی در مورد محمود احمدی‌نژاد کاندیدایی که خود در ابتدا از آن حمایت کرده بودند، هیچ‌گونه اغمازی نداشتند. زمانی که ایشان متوجه شدند آقای احمدی‌نژاد از مسیر ولایت منحرف شده، لحظه‌ای در نقد وی مسامحه به خرج نداد.

با این حال شاید مهم‌ترین بخش حضور ایشان بحث فتنه ۸۸ و تلاش برای روشن‌نگری در خصوص ابعاد مختلف این فتنه بود. نکته‌ای که به اوج‌گیری حملات علیه آیت‌الله مصباح انجامید. ایشان در خصوص فتنه ۸۸ نیز به صراحت گفت: «در فتنه ۸۸، کسانی مردود شدند که باور آن دشوار بود؛ حتی اگر کسی نسبت به آنها بدبین هم بود، در ذهنش نمی‌گنجید که آنها تا این حد سقوط کنند. باید توجه داشته باشیم که امتحان فقط برای آنها نبود، برای ما هم هست... در فتنه ۸۸ نیز کسانی نقش اول را در فتنه ایفا کردند که سال‌ها در انقلاب حضور داشتند و زحمت‌ها کشیدند.»

کادرسازی؛ نکته‌ای که نادیده گرفته شد

یکی دیگر از خدمات آیت‌الله مصباح در جریان انقلاب تلاش برای کادرسازی در حوزه فرهنگ و سیاست بود. نکته‌ای که با تأسیس مؤسسه آموزشی حضرت امام خمینی (ره) جامه عمل به خود پوشید. واقعیت این است که بی‌توجهی به کادرسازی از نکات مهم و مغفول در انقلاب است که جدی نگرفتن آن خسارات فراوانی را رقم زد.

آیت‌الله مصباح یزدی با درک این بی‌توجهی و شکاف به وجود آمده در ساختار اجرای انقلاب اسلامی به‌دنبال کادرسازی و فراهم کردن نیروهای انقلابی برای اداره امور کشور بود. نکته‌ای که بارها مورد تأکید رهبر انقلاب نیز قرار گرفت. حضور گسترده نیروهای پرورش‌یافته توسط او در بخش‌های مختلف انقلاب توانست زمینه را برای فعال شدن انقلاب و پر کردن جاهای خالی فراهم کند.

البته در این حوزه نیز آیت‌الله مصباح از دشمنی‌ها و اتهامات در امان نماند و بارها افراد مختلف وی را متهم به جریان‌سازی سیاسی کردند اما در نهایت هیچ کدام از این اتهامات نتوانست مسیر حرکت ایشان را عوض کند.

در نهایت شاید حسن ختام تمام این کلمات سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره شخصیت آیت‌الله مصباح یزدی در جمع اعضای خانواده ایشان باشد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در خصوص شخصیت این روحانی فرمودند: مرحوم آقای مصباح (رضوان‌الله‌علیه) یک خصوصیات منحصر به فردی داشتند که من در مجموعه فضایی برجسته قم که از قدیم می‌شناختم و حالا هم بحمدالله برکات بعضی‌شان ادامه دارد، نگاه می‌کنم، جامع این خصوصیات را کسی مثل مرحوم آقای مصباح مشاهده نمی‌کنم؛ علم فراوان، فکر خوب و نوآور، بیان رسا و واضح، انگیزه تمام‌شدنی و بی‌نظیر، خلیقات و رفتارهای شایسته و برجسته، سلوک و معرفت و توجه معنوی و مانند این‌ها؛ مجموع این‌ها واقعا انسان نمی‌تواند پیدا کند. اینها در آقای مصباح جمع بود.

نگاهی به یکی از مهم‌ترین شخصیت‌های حوزه در جریان انقلاب اسلامی به بهانه دومین سالگرد او

آیت‌الله مصباح
استادی که بر سر اصول انقلاب مسامحه نداشت

متن مصفا
حجت‌نگار

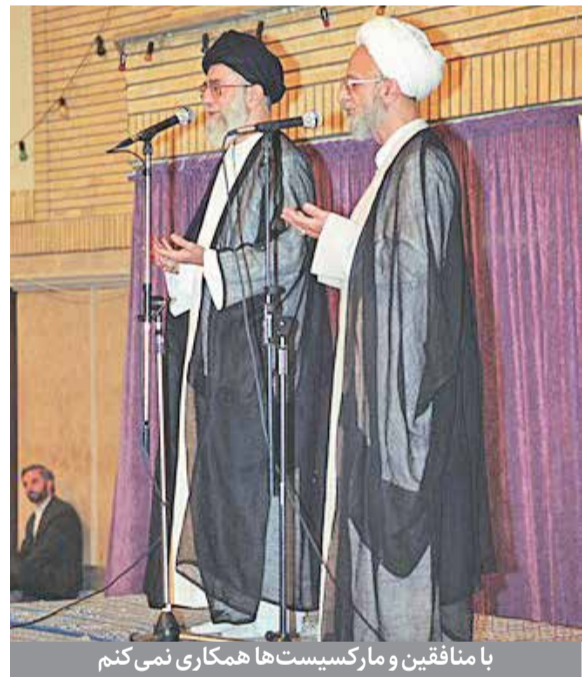
در کوران طوفان سال‌های اولیه اصلاحات و اوج‌گیری نظریات غربی پیرامون ولایت فقیه تنها یک نفر بود که با وجود تمام اتهامات و هوجم‌گری‌ها، با منطق فلسفی در مقابل آنان ایستاد. البته طرف مقابل هم در این مدت بی‌کار نبود و با انواع اتهامات تلاش کرد تا این روحانی را از میدان خارج کند. گاه با کاریکاتورهای مضحک و گاه با ایراد حمایت از تروریسم که بر اساس یک تفسیر سطحی از یک سخنرانی ارائه شد. آیت‌الله مصباح یزدی این‌گونه در مقابل اتهامات ایستاد و رهبر معظم انقلاب از وی به‌عنوان یک مرشد و الگو نام برد.



مقاومت پولادین

محور تمام این خاطرات نیز بر این مبنای بود که آیت‌الله مصباح تنها فعالیت‌های مذهبی را مبنای کار خودش قرار می‌داد و کوچکترین اعتنایی به مبارزه با امپریالیسم و یا حکومت شاه نداشت. اصلی‌ترین مروج این بحث نیز نزدیکان وقت رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام محسوب می‌شدند. با این حال و با بازگو شدن برخی خاطرات مشخص شد که او نه تنها به‌دنبال یک مبارزه فراگیر علیه نظام ستمشاهی بود بلکه همواره بر ضرورت مقابله با هر گونه انحراف بخصوص از طرف گروه‌های چپ تأکید می‌کرد.

در خصوص آیت‌الله مصباح یزدی و تأکید ایشان بر پایداری و اصول اساسی سخنان و نقل قول‌های فراوانی وجود دارد. در این میان شاید بتوان به یکی از مهم‌ترین موارد در خصوص حضور آیت‌الله مصباح در جریان مبارزه اشاره کرد. مبارزاتی که پیش از پیروزی انقلاب اسلامی علیه رژیم شاهنشاهی در جریان بود و بسیاری آیت‌الله مصباح یزدی را متهم به عدم حضور در این مبارزه می‌کردند. عمده این اتهامات نیز از طرف طیف منتسب به جریان سازندگی بر اساس تک‌خاطره آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نقل می‌شد.



با منافقین و مارکسیست‌ها همکاری نمی‌کنم

این باره توضیحات مفصل‌تری دادند: «بعد از پیروزی انقلاب، حوادثی اتفاق افتاد که در نهایت در سال ۶۰، به ریاست جمهوری رهبر معظم انقلاب منجر شد. در این فاصله چنان حوادث بزرگ و مکرری پیش آمده بود که حقیقتاً فرصتی برای بازبینی رویدادهای گذشته باقی نمانده بود یا دست‌کم برای بنده فرصتی پیش نیامد. در اولین ملاقاتی که بنده در آن مقطع با رهبر معظم انقلاب داشتم، ایشان فرمودند: «آن آقای که یک وقتی از اینها [مجاهدین] حمایت و حتی به آنها کمک مالی می‌کرد، حالا به اشتباه خودش پی برده و درصدد جبران برآمده.» گویا این دیدار، ملاقاتی را که قبل از انقلاب با ایشان و با آن شخص داشتیم، تداعی کرد. در آن دوران، آن شخص مرا بسیار تشویق می‌کرد که با مجاهدین همکاری کنم و من می‌گفتم اینها را نمی‌شناسم و تا کسی را نشناسم، زیر علم او نمی‌روم. آقا هم ناظر مذاکره ما بودند و فقط سکوت کردند.»

این نگاه آیت‌الله مصباح در خصوص واکنش به هرگونه انحراف در سال‌های بعدی نیز ادامه داشت و شاید همین مسئله بود که باعث شد تا شخصیت ایشان متمایزتر از سایر فعالان سیاسی در این حوزه باشد.

البته رویه اصلی آیت‌الله مصباح در چنین مواردی سکوت بود اما در ادامه و در پی حملات گسترده‌تر ایشان در مقام پاسخگویی به خاطره گویی‌های آقای هاشمی رفسنجانی و اتهام عدم تمایل برای مبارزه با رژیم ستمشاهی پرداخت. آیت‌الله مصباح یزدی در مطلبی که نشریه فرهنگی تاریخی یادآور در شماره اول خود در خردادماه ۱۳۸۷ آن را منتشر کرد، این‌گونه روایت کرد «بعضی از دوستان با اینها [سازمان مجاهدین خلق] ارتباط برقرار کردند و ما را هم دعوت کردند. از آن به بعد روی همان تلقی از من خواسته بودند با مجاهدین همکاری کنم و من قبول نکردم. اینها به دوستانشان می‌گفتند که این دیگر با ما نیست و تغییر ایدئولوژی داده. ما تغییر ایدئولوژی نداده بودیم، آنها تغییر داده بودند. گذر زمان هم نشان داد که تشخیص چه کسی صحیح بوده است. اینها در داخل به مجاهدین پول می‌دادند و آنها را تقویت می‌کردند، اما امام در نجف به نمایندگان آنها بی‌اعتنایی کردند و با هیچ ترفندی حاضر نشدند آنها را تأیید کنند.» آیت‌الله مصباح در گفت‌وگوی دیگری که نشریه فرهنگی تاریخی یادآور در شماره ۴ و ۵ خود در آذر زمستان ۱۳۸۷ منتشر کرد، در

یکی از خدمات آیت‌الله مصباح در جریان انقلاب تلاش برای کادرسازی در حوزه فرهنگ و سیاست بود. نکته‌ای که با تأسیس مؤسسه آموزشی حضرت امام خمینی (ره) جامه عمل به خود پوشید. بی‌توجهی به کادرسازی از نکات مهم و مغفول در انقلاب است که جدی نگرفتن آن خسارات فراوانی را رقم زد.

آیت‌الله مصباح یزدی با درک این بی‌توجهی و شکاف به وجود آمده در ساختار اجرای انقلاب اسلامی به‌دنبال کادرسازی و فراهم کردن نیروهای انقلابی برای اداره امور کشور بود.